بررسی نقش زنان در خلق شادی در اساطیر

فریبا رئیسی[1]

چکیده

در تاریخ اساطیری ایران، نخستین آفریده مادی آسمان است که اور مزد به یاری او شادی را می‌آفریند. حضور یک زن نمادین در آسمان (ناهید) که در ادب فارسی مظهر شادی و طرب است،این باور را در ذهن متبادر می‌کند که میان مظاهر طبیعت، زن و شادی پیوندی وجود داشته است. به علاوه ایرانیان زمین را یکی از امشاسپندان مقدس می‌دانند که با ویژگی تانیث خلق شده است و در واقع حکم دختر اهورا مزدا را دارد و برگزاری جشن‌ها و آیین‌های خاص زمین به نوعی احترام به این مادر اساطیری است. در مراسم سال نو که آغاز طبیعت است خدابانوی زمین به همه چیز زندگی می‌دهد و مردم را برای برگزاری مراسم سرور همگانی آماده می‌کند. لذا قدرت زایش و باروری زمین و وجود ایزد بانوانی با مظاهر قدرت، حاصلخیزی، باروری، عشق و شادی تحت نام‌های خاص در اساطیر جوامع کهن این پیوند را مستحکم تر می‌کند.

کلید واژه‌ها: زن، خدابانو، شادی، ایران باستان، جشن

---

۱ – عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، فارس–ایران.

هدف

بررسی رفتارهای آیینی هر فرهنگ، بنیاد و حقیقت کلی آن فرهنگ را معرفی می‌کند. در واقع جستجو برای یافتن هویت فرهنگ هر قوم یکی از مشغله‌های پژوهشگران عصر حاضر است. از اواسط قرن نوزدهم متخصصین فرهنگ مردم (فولکلور) متوجه مشابهت‌های فراوانی میان اساطیر متعلق به زمان‌ها و محیط هایی کاملا مختلف و متنوع شدند. از طریق اسطوره‌ها می‌توان به نموداری از تکامل انسان‌ها دست یافت و تغییر و تحولاتی را که در طی زمان داشته اند، شناسایی کرد زنان که بخش مهمی از بدنه اسطوره‌های هر قوم را تشکیل می‌دهند، در طول تاریخ با افت و خیزهای اجتماعی فراوانی روبرو بوده اند. پیکرک‌های زنانه‌ای که متعلق به خدابانوان بوده در معرفی نقش، وظایف و توانمندی‌های زنان در طول تاریخ مخصوصا تاریخ اساطیری هر قوم بسیار گویا هستند. خلق شادی توسط زنان در تفکر ایران باستان نیز به دلیل اهمیت فراوانش در زیربنای روان اجتماعی، هدف اصلی نوشته حاضر است. در این مقاله به بررسی جایگاه شادی در اسطوره‌های ملل کهن و نیز نقش زنان در خلق و پرورش این پدیده پرداخته شده است. هدف، تاثیر نقش زنان در ساختار روانی اجتماع با مبنا قرار دادن اصل " شادی " است.همچنین نشان دادن سیر تحول اندیشه انسان‌ها در جوامع مختلف با تکیه بر عنصر اسطوره‌ای " زن " از دیگر اهداف این تحقیق می‌باشد.

مبانی تحقیق

اسطوره‌ها به عنوان بخشی از فولکلور هر قوم جایگاه خاصی را در فرهنگ عامه به خود اختصاص داده اند. اسطوره‌ها در همه حوزه‌های زندگی شخصی کاربرد دارند زیرا هیچ چیزی از اسطوره جدا نیست. بسیاری از شاعران دانش اسطوره شناسی را

در اشـــعار حماســـی یا سرودهای ملی و رزمی وارد کردند. عده‌ای نیز اسطوره‌ها را در کتاب‌های مقدس جای دادند و عده‌ای دیگر اســـطوره‌ها و شخصیت‌های اساطیری را به صورت قصه درآوردند

ملل و اقوام مختلف جهان دارای مجموعه‌ای از اساطیر بوده و هستند که مطالعه آن گذشته از جذابیت داستان ها، نمایانگر سیر تحول اندیشه انسانی است. تاثیر اساطیر در زندگی ما به حدی است که روان شناسان پیرو مکتب یونگ کهن الگوهای اساطیری را مشخص کننده رفتار فرد می‌دانند و معتقدند که برای نفوذ و شناخت ناخودآگاه جمعی و فردی باید اســـاطیری را مد نظر قرار داد که در ذهن آن فرد یا جمع ســـاری و جاری و در حال تعامل است.پس شناخت اساطیر، علاوه بر سیر تحول اندیشه انسانی، برای درک و شـــناخت انسان کنونی و الگوهای فکری و رفتاری او ضروری است. سعی در شـــناخت بهتر اساطیر، تنها خواندن مجموعه‌ای از داستان‌های زیبا نیست، بلکه روشی است برای تحقیق و شناخت عمیق تری از محتوای درونی اندیشه بشری که در قالب داستان و قصه رخ می‌نمایاند. زن و نقش او به عنوان بخشی از پیکره اساطیر در طی هزاره‌هـــای تاریخ در حال دگرگونی و تغییر بوده اســـت. ایـــن تحقیق تلاش دارد تا با معرفی برخی از خدابانوان اســـاطیری به نقش آنان در آفرینش و خلق شادی اشاره‌ای کوتـــاه نمایـــد. در واقع اگرچه مقام اجتماعی زن در طـــول تاریخ گاه در اوج و گاه در حضیض بوده اما آنچه مسلم است این است که زن همواره در آفرینش شادی و آرامش نقشی غیر قابل انکار و نیز تغییر ناپذیر داشته است.

سئوال تحقیق

موضوع بحث، پیدایش باورها و اعتقادات ملل کهن نســـبت به مادر – خدایان و جستجوی رفتارهای آیینی مربوط به آنان در قلمرو شادی است. برای دست یافتن به

این بررسی نخست باید افق‌های گسترده تری را مد نظر قرار داد که از جمله پرداختن به باورهای دولت‌های صاحب تمدن غیر از ایران در گستره تاریخ اساطیری است. طرح این سئوال که " به چه دلیل زنان در برهه‌ای خاص از زمان نسبت به مردان صدر نشین تر بوده‌اند "؟ باعث انجام پژوهش هایی در خصوص جایگاه زنان در جوامع مختلف بوده است. در این مقاله به سئوالات زیر پاسخ داده شده است : جایگاه خدابانوان در اسطوره‌های ملل کهن و نقش آنان در بقای جامعه چه بوده است ؟ خدابانوان در خلق شادی چه نقشی داشته‌اند ؟ در مبحث اسطوره شناسی ایران زنان چه ویژگی هایی داشته‌اند ؟ آیا شادی عنصری زنانه است؟

پیشینه تحقیق

تقدس زن بیشتر از جنبه داشتن احساسات و عواطف مادرانه و نقش او در جوامع سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی موضوع اکثر پژوهش‌ها بوده است. از سویی توجه به آیین‌ها و مراسم اساطیری که از دیرباز در میان جوامع مختلف رایج بوده نیز مورد توجه بسیاری از پژوهشگران است اما پرداختن به اصل شادی و مراسم آیینی مربوط به آن و نقش آفرینی زنان در این خصوص کمتر مورد توجه پژوهشگران بوده است. در فولکلور مردم ایران تمامی آداب و رسوم شادی بخش بدون حضور و نقش زن و مادر بی معنی است. در ساختار شناسی قصه‌های مردمی و نیز در افسانه‌ها نقش مادر در ایجاد فضایی شاد مهمترین کارکرد را به خود اختصاص داده است. این نقش از دیرباز در اسطوره‌ها نیز وجود داشته است و حضور ایزد بانوان با کارکردهایی چون بخشندگی، پاکی، شادی، زیبایی، دانایی در اساطیر ناشی از این تفکر باستانی است که ماهیت وجودی زن با این عناصر پیوندی نا گسستنی داشته و دارد.

روش شناسی

روش تحقیق بر مبنای پژوهش‌های کتابخانه‌ای اســت که به صورت مراحل فیش برداری و جمع آوری اطلاعات تهیه شــده اســت. بخشی از این پژوهش نیز در حیطه فولکلور شناسی و جمع آوری داده‌های مردمی بوده که به صورت میدانی و با استفاده از فولکلور برخی از مناطق ایران شامل جمع آوری قصه‌ها و ضرب المثل‌ها و مراسم آیینی در ارتباط با نقش زنان تدوین گردیده اما جهت جلوگیری از اطاله کلام از ذکر آن خودداری شده و به صورت مقاله‌ای جداگانه ارائه خواهد شد.

بحث و نتیجه گیری

درتفکر ایرانیان باستان خلق شادی به عنوان یکی از مظاهر خلقت مینوی از اهمیت فراوانی برخوردار اســت. در سنگ نبشته نقش رجب از زبان داریوش آمده است:" بغ بزرگ اســت اهورامزدا که این بوم را بداد، که مردم را بداد، که مردم را شــادی بداد.(بهار،۱۳۷۲:٤۹)

طبق اســطوره زندگی زرتشــت یکی از معجزات این پیامبر آن بوده که موقع زادن خندید. (آموزگار، ۱۳۷۰:٤۲)

در گزیده‌های زادســپرم علت خنده زردشت چنین توجیه شده است که در هنگام تولد او اهریمن، ســپاهی از دیوان را برای نابودی اش فرســتاد و ایزدان به کمک فره به مقابله با دیوان پرداختند. اهریمن که خود را در حال شکســت دید دیو " اکومن " (اندیشه بد) را گسیل کرد و اورمزد به مقابله او بهمن (اندیشه نیک) را فرستاد. بهمن در اندیشه زرتشت در آمد و با آن درآمیخت و چون بهمن مینوی شادی آفرین است، زرتشت هنگام تولد خندید.

بر اســاس اسطوره‌های خلقت در ایران باســتان اورمزد در شش مرحله آفرینش را

به وجود آورد. نخستین آفریده مادی آسمان است که اورمزد به یاری او شادی را آفرید و پس از آن زمین، آب، گیاه، حیوان و انسان را آفرید. آسمان در اندیشه ایرانیان باستان " همچون جنگجوی دلیری است که در برابر حمله اهریمن ایستاده است." (آموزگار،۳:۱۳۷٤)

لذا می‌توان او را مظهر قدرت و مردانگی به شمار آورد. زمین که در مرحله بعد آفریده شد، امشاسپندی مقدس است که با ویژگی تانیث خلق گردیده و در واقع حکم دختر اهورامزدا را دارد. باروری، زایش، رویش، بردباری و آرامش از ویژگی هایی است که برای زمین در نظر گرفته شده است. بنابراین در تصور مردمان عصر کشاورزی زن همزاد زمین است. برگزاری جشن‌ها و آیین‌های خاص زمین به نوعی احترام به این مادر اساطیری یا " مادر کبیر " است. در مراسم سال نو که آغاز طبیعت است، این خدابانوی زمین است که به همه چیز زندگی می‌دهد و مردم را برای برگزاری مراسم سرور همگانی آماده می‌کند. به همین دلیل قدرت زایش و باروری زمین و وجود ایزد بانوانی با مظاهر قدرت، حاصلخیزی، باروری، عشق و شادی تحت نام‌های خاص در اساطیر جوامع کهن این پیوند را مستحکم تر می‌کند.

در باور این جوامع "جامعه کشاورزی زایش را تقویت می‌کند و زایندگان (مادران)که خوراک دهندگان نیز هستند مورد ستایشند. زنان همانگونه که خود می‌زایند زمین را نیز بارور می‌کنند. زن مادر انسان و مادر زمین است. او مادر کبیر است. چشمه زندگی در سینه‌های او جاری است. پس آب‌های شیرین و رودهای پهناور نیز در اختیار اوست. شیر مادر انسان را تغذیه می‌کند و آب شیرین، زمین را. از درون هردو زندگی جدید آغاز می‌شود که پر برکت است." (لاهیجی/کار، ۵۰:۱۳۷۱)

برکتی که از حضور زمین در آفرینش ناشی می‌شد، زمینه شادمانی را نیز فراهم می‌کرد. زیرا پرستش ایزد بانوان در عهد باستان یک اصل پذیرفته شده به شمار می‌رود

و برگزاری جشـــن‌ها و آیین‌های خاص زمین به نوعی احترام به این مادر اساطیری یا مادر کبیر اســـت.در مراسم سال نو که آغاز زندگی جدید طبیعت است این خدا بانوی زمین اســـت که به همه زندگی می‌دهد و مردم را برای برگزاری مراسم سرور همگانی آماده می‌کند.

در تقویم ایرانیان باســـتان هر روز نامی داشـــته اســـت. دوازده روز از سی روز ماه هم نام با ماه‌های دوازده گانه بوده اســـت و اگر یکی از این روزها با نام ماه خود یکی می‌شد مردم آن روز را به جشن و شادی می‌پرداخته‌اند و در واقع در هر ماه یک روز به جشـــن و شـــادی اختصاص داده می‌شده اســـت که بعضی از این جشن‌ها به افتخار خدا بانوان برگزار می‌شـــد. از جمله آنها می‌توان به " سپندارمذ روز "، " امرداد روز " و " آبانگان " اشاره کرد.

جشـــن "سپندارمذ روز " در اسفند ماه برگزار می‌شـــده و به عید زنان یا مزدگیران معروف بود و تا روزگارابوریحان در اصفهان و ری هنوز بر جای بوده اســـت. به گفته ابوریحان " این عید به زنان اخصاص داشـــت و چون زنان بر شـــوهران خود مســـلط بوده‌اند و از آنها آرزو می‌خواستند و هدیه می‌گرفتند به مرد گیران یا مزدگیران شهرت یافته است " (بیرونی، ۱۳۷۱: ۱۳۰)

جشـــن آبانگان نیز در آبان روز (دهم آبان) برگزار می‌شـــده اســـت یکی از مهم ترین جشـــن‌های ایرانیان باســـتان بوده که به آناهیتا ایزد بانوی آب تعلق داشته است." آبان یشـــت " یکی از مهم ترین یشت‌های اوستاست که به ستایش عنصر آب پرداخته می‌شـــود و مندرجات آن شامل دو بخش است: قســـمتی در مدح و توصیف " ناهید " فرشـــته آب است و قسمتی از آن در ذکر پادشـــاهان و پهلوانانی است که برای ناهید قربانی کرده اند.اهمیت آب در نزد ایرانیان باستان به گونه‌ای بوده است که مردم برای آن آوازهای شـــادی آفرین می‌خوانده و مراســـم دسته جمعی انجام می‌داده اند.وآن را

برای زندگیشـــان منشا خیر و برکت و شادی می‌دانســـته اند،او را سپاس می‌گفته‌اند و آیین هایی را بر خود واجب می‌کرده‌اند.

"آفریجگان " نیز یکی دیگر از جشن هایی است که ایرانیان در تقدس الهه آب برپا می‌کرده اند. این جشـــن که در بیشـــتر مدارک به " آفریجگان اصفهان " مشهور است، جشـــنی اســـت که در روز ســـی ام بهمن ماه برگزار می‌شده اســـت و به نام‌های " آب ریزگان " و " آب پاشـــان " نیز معروف بوده اســـت. جشـــن مذکور تا قرن ۱۱ هجری قمری در اصفهان رایج بوده و طبق گفته مولف عالم آرای عباســـی، شـــاه عباس کبیر این جشـــن را در بیست و سومین سال جلوس خود در چهار باغ برپا می‌کرده است." (ترکمان،۱۳۸۹:۷۸۸)

بیرونی و گردیزی،زمان پیدایش این جشن را به دوران فیروز، جد انوشیروان و علت آن را بارش باران پس از چندین ســـال خشکســـالی ذکـــر کرده‌اند که در پی تضرع فیروزشـــاه به درگاه خداوند باران بارید و فیـــروز در بیابان فارس در محلی که امروز "کام فیروز " نامیده می‌شود، این جشن را برپا کرده بود.

امـــا دکتر یا حقی معتقد اســـت که این "جشـــن بر خلاف آنچـــه بیرونی و گردیزی آورده‌اند بســـیار قدیمی تر بوده و در واقع این جشـــن با " آب تیـــرگان " که دراصل به ســـتایش و نیایش آب به عنوان مهم ترین و بزرگترین عنصر هســـتی و مادر و شـــالوده آفرینش و زندگی و باروری بوده است پرداخته می‌شده و سابقه آن در ایران به چند هزار سال قبل از میلاد مسیح و به روایتی به زمان منوچهر می‌رسد " (یاحقی، ۵۰: ۱۳۷۵)

در میان امشاسپندان سه امشاسپند سپندارمذ، امرداد و خرداد مونث هستند. سپندارمذ فرشته موکل بر زمین،امرداد فرشته موکل بر گیاه و خرداد فرشته موکل بر آب است.

با اندکی دقت می‌توان به این نتیجه رسید که اکثر جشن‌های ایران باستان در تقدس این سه عنصر بوده است.

جشـــن مردادگان که به نام "جشـــن نیلوفر " نیز شهرت داشته است از دیگر جشن هایی بوده اســـت که در هفتم امردادماه برگزار می‌شـــده و روزی خجسته و مبارک به شمار می‌رفته است.

جشن مهم دیگری که تا امروز نیز توسط ایرانیان با شکوه و تقدس خاصی برگزار می‌شود " یلدا " است. در واقع این روز، روز تولد میترا یا الهه مهر بوده است. ایرانیان این روز را با تلفظ سریانی اش " یلدا " می‌نامیدند. این آیین بعدها به عنوان یک روز مقدس با آیین مهری به اروپا رفت. یلدا طولانی ترین شـــب ســـال است که پس از آن آفتاب از برج قوس به برج جدی تحویل می‌شود و روزها اندک اندک بلند می‌گردد. "ایرانیان در این شـــب تا زمان بازآمدن خورشـــید به دور آتش شادی می‌کردند و خوان می‌گســـتردند و میزد و نثار می‌کردند که بازمانده این مراســـم هنوز برجاست. در ادب فارسی شعرا زلف یار را از حیث سیاهی و بلندی به شب یلدا تشبیه کرده اند."(یاحقی، ۱۳۷۵: ٤٦٥)

جشـــن نوروز نیـــز که بزرگترین و با شـــکوهترین اعیاد ایرانیان به شـــمار می‌رود، ارتباط بســـیار نزدیک و مستقیمی با زمین، مادر کبیر طبیعت دارد. در واقع خدا بانوی زمین اســـت که شادی همگانی مردم را باعث می‌شود و موجبات تفریح و نشاط مردم در دامـــن طبیعت را فراهم مـــی‌آورد. تجدید و تکرار آیینی این جشـــن‌ها گواه ارزش والای شـــادی و تفریح در تفکر و اندیشه ایرانیان باستان بوده است. مراسم خاصی که در نوروز اجرا می‌شـــود نیز هرکدام به نوبه خود دارای اهمیت خاص اســـت. همه این مراســـم، مراسمی شـــاد و مقدس و زیبا هستند. ســـنت پاکیزه خانه تکانی، برافروختن آتش به نشـــانه قداســـت آتش در نزد ایرانیان، پوشـــیدن لباس‌های زیبا و پاکیزه و نو، چیدن سفره هفت سین و اعتقاد به قداست عدد هفت، کاشتن سبزی و هفت نوع از غلات (که در ایران قدیم میان مردم مرسوم بود هرکدام از این غلات که بهتر می‌رویید

نشـــانه وفور آن نوع غله در طول ســـال بود)،دید و بازدیدهای نوروزی، عیدی دادن، بازگشت به طبیعت، یاد کردن ارواح درگذشتگان و اجرای ده‌ها رسم خوب و پسندیده از پیامدهای دیگر این ایام است که عموما توسط بانوان انجام می‌گیرد.

با بررســـی برخی از این افسانه‌ها و اســـطوره‌های کهن در ایران و سایر ملل جهان می‌توان زن را به عنوان نمادی برای شادی در نظر گرفت.

حضور یک زن نمادین در آسمان (زهره) که مظهر شادی و طرب است، این باور را در ذهن متبادر می‌کند که میان مظاهر طبیعت، زن و شـــادی پیوندی وجود داشـــته اســـت. " ابوریحان بیرونی در " التفهیم " رابطه زهره با آب، سپیدی، رویش، طرب و شـــادی را انکار ناپذیر می‌داند و زهره را که ســـعد اصغر نامیده می‌شود با ویژگی‌های تانیث، حسن وجه و طرب معرفی می‌کند و او را کوکب اهل طرب و ستاره مخصوص زنان و اهل لهو وشادی می‌داند. ابوریحان زهره را چنین توصیف می‌کند: " زنی است نشسته بر اشتر و در پیشش بربط است و همی زند." (بیرونی، ۳۸۹: ۱۳۷۱) به همین دلیل زهره را ایزد موسیقی و سرپرست رامشگران و خنیاگران می‌شمرده‌اند و کارها و صفات نوازندگان را مظهر جلوه‌ای از صفات بی شمار او می‌دانسته‌اند:

خیزای مطرب و بخوان غزلی هین که زهره رباب می‌آرد (عطار /۱۳۱)

زهـره خنـــیاگریت گـر نکند تـــا ابد سور زهره ماتم باد (انوری / ۱۰۸)

طالعش گر زهره باشد در طلب میل کلی دارد و عشق و طرب (مولوی ۷۲/ ٤٦)

آری چو ماه و زهره به یک جا قرین کنند عیش و نشاط و شادی و لهو اقتضا کنند (مسعود سعد)

در علـــم نجوم تیر یا عطـــارد، نر و زهره و ماه، ماده معرفی می‌شـــوند. بنا بر کتب نجومی روز آدینه به زهره اختصاص دارد و به همین دلیل در شـــعر فارســـی این روز، شادی آور و طرب انگیز شمرده شده است.

نسـفی نیز معتقد اسـت که هنگام تطبیق اعضای آدمی بر اجـرام و فلک " گرده، آسمان سوم است و نمودار فلک زهره است. از جهت آنکه زهره گرده عالم کبیر است و در این فلک ملائکه بسیارند و ملکی که موکل است بر نشاط و فرج و شهوت، سور این ملائکه است." (عزیز الدین نسفی، ص ۱٤٧)

بت " عزی " در جاهلیت را به زهره منسـوب دانسته‌اند و بت ابوالهول را صورت زهره دانسته‌اند که در آن انواع آلات لهو و لعب تعبیه شده ست.در منابع تورات، زهره با نام " عشتاروت " وملکه آسمان‌ها معرفی شده است.

نام دیگر زهره " ناهید " به معنی پاک و آب توانای بی آلایش است مورخین یونانی ناهیـد را که" آناهیت " نیز خوانده می‌شـد با "آرتیمـس " الهه عصمت وعفت یونانی یکی می‌دانسـته‌اند و مورخین رم و بیزانس او را "دیانا " می‌نامیدند.سـتایش ناهید در ایران باستان رایج بوده و ایرانیان به ایجاد معابد خاص وی اهتمام فراوانی داشته اند. این معابد اغلب در کنار رودهای پرآب بنا می‌شده است.

پژوهشـگران علم فولکلور نیز بـر این باورند که مردمی کـه در مناطق بی آب یا کم آب زندگی می‌کنند بیشـتر دچار افسـردگی و خمودی می‌شوند و در ادب عامیانه نیز ضرب المثل " هرجا آب اسـت آبادی هم هسـت "، ناشی از همین باور است.لذا حضـور زن و نقـش او در آبادانی بنای خانواده کاملا با ایـن عقیده مطابقت می‌کند. در قـرآن کریم نیز آیه " و جعلنا من الماء کل شـی حـی " (از آب هر چیزی را زنده گرداندیم) تاکیدی بر این مدعا می‌تواند باشد.

یکی دیگر از جنبه‌های بارز شادی و خوشی که در اندیشه مردم جایگاه خاصی را به خود اختصاص داده اسـت " بهشت " است. بهشت مظهر آرامش، شادکامی، تفریح و خوشی است:

جنت خلد و خور و خواب و سـرود جنت عاشـق تماشای وجود (اقبال / ۳۳۳)

جنت نقد است اینجا، عیش و عشرت تازه کن زانکه در جنت خدا بر بنده ننویسد گناه

(حافظ،۱۳۷۸: ۳۷۱)

در متون عرفانی بهشـت، مظهر جمـال و زیبایی خداوند و نمونـه کامل تمامیت خوشی است. توجه به اسامی فردوس، طوبی، رضوان و مینو، مونث بودن بهشت را غیر قابل انکار می‌کند.

در افسـانه‌های ملل کهن نیز شـادی با عنصر زنانه ارتباطی تنگاتنگ دارد. در واقع این زن است که یا شادی را می‌آفریند و یا به پرورش آن می‌پردازد. پیدایش باورها و اعتقادات ملل کهن نسـبت به " مادر خدایان " و جستجوی رفتارهای آیینی مربوط به آنان در قلمرو شادی گواهی بر ادعای ماست.

در اسطوره‌های سومری نیز از ایزد بانویی به نام " اینانا " یاد می‌شود که حامی شهر اروک اسـت. او پس از آنکه به یاری گیل گمیش قهرمان بر تخت سـلطنت نشسـت، تصمیـم گرفت رفاه و شـادی مردم را افزایش دهد. بـرای تحقق این امر لازم بود به قوانین آسـمانی خدای خرد دسـت یابد. لذا عازم جایگاه افسـانه‌ای " خدای خرد " (انکی) می‌شـود. و از او شـادمانی را طلب می‌کند. " خدای خرد او را گرامی داشـت و ١٤ بار با شـادی اینانا جام خود را از می‌پر کرد و نوشـید. اینانا او را سپاس گفت و نیایش کرد:

انکی (خدای خرد) به من آستان مقدس داد

به من ابزار موسیقی با پژواک داد

به من هنر آواز خوانی داد

به من شادمانی دل‌ها داد

از آن پـس مـردم سـومر نیایش‌های هفتگانـه‌ای را به درگاه این ایـزد بانو به جا می‌آوردند که سرشـار از شادی و نشـاط بود. خواندن سرود شادمانی نیز یکی از این نیایش‌ها بود. در این مراسـم مردم با پوشـیدن لباس‌های رنگین و به جا آوردن مراسم قربانی در جشنی بزرگ شرکت می‌کردند. سرودی که تجسم یک شادی همگانی بوده و همراه با رژه از برابر پرستش گاه خدابانو خوانده می‌شده است.

به نظر می‌رسیده که موسیقی در این جشن نقش مهمی به عهده داشته است. پس از عبور دوشیزگان و کاهنه‌های شمشیر به دست از برابر جایگاه، لحظه مهم و اوج مراسم فرا می‌رسـید. کاهن با شمشـیر خون آلود آیین سمبولیک قربانی را به جا می‌آورد. در این لحظه موسیقی قطع می‌شده و سکوت همه جا را فرا می‌گرفته سپس با ظاهر شدن سـتاره شامگاهان در آسمان که تجسم حضور شهبانوی آسمانی در جشن بود، طبل‌ها و شیپورها را بار دیگر به نوا درمی آوردند و شادمانی با آواز همگانی ادامه می‌یافت." (لاهیجی / کار،۹۲:۱۳۷۱-۹۳)

در اندیشـه مردمان عصر کشـاورزی گریه زنان و نقش آنها در مراسـم شـیون و عزاداری نیز نقشی متفاوت با تصور امروزین از گریه بوده است.

آنها معتقد بودند که اشـک سـبب باروری می‌شـود و آن را نماد باران می‌دانستند. همانطـور که آب، زمین را بارور می‌کند و تاثیری مثبت بر جای می‌گذارد، اشـک نیز تاثیری سـرور بخش در روحیه افراد داشته اسـت." داوود در کتاب مقدس می‌سراید: آنانکه با اشک کشتند با شادی درو می‌کنند.او که دانه گران بها با خود دارد و به پیش می‌رود و می‌گرید، بی گمان با شـادی باز خواهد گشـت و دسـته‌های غله را با خود خواهد آورد. (بهار، ۱۳۷۲: ۱٤۷)

در مصر نیز با گریه غله را می‌کاشـتند و در واقع خدایان گریان همان خدایان آب هستند که ویژگی تانیث نیز داشته اند.

نگاهی به داستان‌های کهن فارسی خصوصا داستان‌های شاهنامه که ریشه در اسطوره‌های کهن دارد، این حقیقت را بازگو می‌کند که زنان در اولین رویارویی با مردان جهت برقراری ارتباط عاطفی برای آنان شادی آرزو می‌کنند و در واقع فتح بابی برای مذاکرات بعدی می‌شود.

در داستان زال و رودابه که یکی از غنایی ترین قسمت‌های شاهنامه است رودابه پس از دیدن زال:

دو بیجاده بگشاد و آواز داد — که شاد آمدی‌ای جوانمرد شاد
درود جهان آفرین بر تو باد — بر آن کس که او چون تو فرزند زاد
پرستنده خرم دل و شاد باد — چنانی سراپای کو کرد یاد

و زال نیز در پاسخ، دیدار او را شادی آفرین ذکر می‌کند:

چنین داد پاسخ که‌ای ماه چهر — درودت ز من آفرین از سپهر
همی خواستم تا خدای جهان — نماید به من رویت اندر نهان
کنون شاد گشتم به آواز تو — بدین چرب گفتار با ناز تو

قبل از ادامه این بحث بهتر است به نکته‌ای اشاره شود و آن این است که در عصر حاضر پیروان مکتب روان شناسی " یونگ" که پرستش ایزد بانوان را در عهد باستان به عنوان یک اصل مسلم پذیرفته‌اند به این نتیجه رسیده‌اند که " انسان امروزی به طور ناخودآگاه و به شکل‌های گوناگون نسبت به کهن الگوی مادر اولیه ابراز شوق می‌کند. آنان بیماران بسیاری را در کلینیک‌های روانی خود مورد درمان قرار داده و پس از بررسی حالات و تعبیر رویاهای آنان مایه‌ای واحد و اصیل یافته‌اند که گرایش نسبت به بازگشت به آغوش " کهن مادر بزرگ " را می‌توان به آن اطلاق کرد. این مکتب با

زبان علمی یادآور شـــده که هر نوع تقدس و الوهیت منهای عنصر زنانه قادر نیســـت انســـان را به سرچشمه زلال رضایت، خرسندی و شـــادمانی برساند و انسان امروز در محاصره مفاهیم و پدیده هایی که یکسره مردانه است، تبدیل به موجودی نا متعادل و خشن و نامهربان است " (لاهیجی/ کار،۱۳۷۱: ۹۲)

دوباره به بحث قبلی بر می‌گردیم که موید این نظریه می‌باشـــد. فردوســـی در آغاز سرودن داستان بیژن و منیژه به گفته خودش دچار نوعی سردرگمی و پریشان خاطری بوده است. او پس از توصیف شبی تیره و غمبار و نفس گیر برای بارگرداندن آرامش خود چاره‌ای جز پناه بردن به همسرش ندارد:

بدان تنگی اندر بجستم ز جای — یکی مهربان بودم اندر سرای
خروشـــیدم و خواســـتم زو چراغ — برفـــت آن بـــت مهربانـــم ز بـــاغ
مرا گفت: شمعت چه باید همی — شب تیره خوابت نیاید همی
بدو گفتم‌ای بت نی ام مرد خواب — یکی شمع پیش آر چون آفتاب
بنه پیشـــم و بزم را ســـاز کن — به چنگ آر چنگ و می‌آغاز کن
بیاورد شـــمع و بیامد به باغ — برافروخت رخشنده شمع و چراغ
مرا گفت برخیز و دل شاد دار — روان را ز درد و غم آزاد دار
گهی می گساریدو گه چنگ ساخت — تو گفتی که هاروت نیرنگ باخت
دلم بر همـــه کار پیـــــروز کرد — که بر من شب تیره نوروز کرد...

(فردوسی، ۱۳۷۳:)

سپس طبق همان اصل پناه بردن به آغوش کهن مادر اولیه عمل می‌کند:

بـــدان سرو بن گفتم‌ای ماهرو — یکـــی داســـتان امشـــبم باز گو
که دل گیرد از مهر او فر و مهر — بـــدو انـــــدرون خیره ماند سپهر

نتیجه گیری

بـــا این توضیح و با توجه به نقش زنان در آفرینش شـــادی می‌تـــوان به این نتیجه رســـید که بازگشـــت به آغوش کهن مادر اولیه به عنوان یک اصل درمان گر در روان پریشـــی‌های بشـــر امروز موثر بوده و نمی‌توان نقش شـــادی آفرینـــی زنان در زندگی ماشـــینی امروز را نادیده گرفت. در باور بســـیاری از جوامع آســـیای میانه خصوصا در افغانستان لبخند عروس در شب عروسی نشانه سالی پر باران و پر خیر و برکت است. (عابدوف،۲۰۱۱:ص ۲۰۵)

لذا عنصر زنانه‌ای چون آب، زمین و گیاه را می‌توان اصل و منشا شادمانی، آبادانی و آرامش دانســـت و زن به عنوان تجســـم عینی این اسطوره‌های شادی آفرین به طور فطری و ناخواسته وظیفه شادی بخشی اجتماع انسانی را بر عهده دارد. بنا بر این نقش زنان در ساختار روانی اجتماع با مبنا قرار دادن اصل " شادمانی " نقشی غیر قابل انکار یا تردید است.

بازگشـــت انســـان‌ها به زمین بر تقدس مینوی آن تاکید می‌کند و پاسداشت مظاهر این مادر کبیر از جمله وظایفی اســـت که بر دوش انســـان‌ها نهاده شـــده اســـت. حفظ و نگهـــداری طبیعت بـــه عنوان مهم ترین عنصر در اعطای آرامش روحی انســـان‌ها و شادمانی در آغوش پر مهر طبیعت، زنانه بودن عنصر شادی را تقریبا ثابت می‌کند.

اختصاص یافتن نام هایی چون شـــادی، ســـرور، فرح، یسنا، بهجت، عشرت، مینو، پردیس، فردوس، طوبی، رضوان و... بر روی دختران نیز بر این ادعا صحه می‌گذارد.

منابع

۱- قرآن کریم

۲- آموزگار، ژاله / تفضلی، احمد. اسطوره زندگی زردشت، تهران: قطره، ۱۳۷۰.

۳- آموزگار، ژاله، تاریخ اساطیری ایران، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت)،۱۳۸۹.

٤- بهار، مهرداد. پژوهشی در اساطیر ایران، تهران:آگه،۱۳۷۲.

۵- بیرونی، ابوریحان. التفهیم،زیر نظر اکبر ایرانی، تهران: اهل قلم، ۱۳۸٤

٦- ترکمان، اسکندربیگ. تاریخ عالم آرای عباسی، تصحیح ایرج افشار، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۲

۷- حسینی فراهانی، ابوالحسن. شرح مشکلات دیوان انوری، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳٤۰.

۸- حمیدیان، سعید. شاهنامه فردوسی، تهران: قطره، ج ۵، ۱۳۷۳.

۹- رضی، هاشم، گاه شماری و جشنهای ایران باستان، بهجت، تهران، ۱۳۷۱

۱۰- روح الامینی، محمود، آیین‌ها و جشن‌های کهن در ایران امروز، آگاه، تهران، ۱۳۷٦.

۱۱- سیلیگمن، مارتین. شادمانی درونی،/ ترجمه مصطفی تبریزی، تهران: نشر دانژه، ۱۳۸۹.

۱۲- عابدوف، داداجان. رسوم و عقاید مردم دری زبان افغانستان ریال دوشنبه: ۲۰۱۱

۱۳- عطار نیشابوری، فریدالدین. منطق الطیر / محمدرضا شفیعی کدکنی (مصحح). تهران: سخن، ۱۳۸۹

۱٤- قزوینی، محمد / غنی، قاسم. دیوان خواجه شمس الدین حافظ شیرازی، تهران: زوار، ۱۳۷۸.

۱۵- گریمال، پی یر. اساطیر جهان (۱) / مترحم: مانی صالحی علامه، تهران: نشر مهاجر، ۱۳۸۵.

۱٦- لاهیجی، شـــهلا / کار، مهرانگیز. شـــناخت هویت زن ایرانی، تهران: روشـــنگران، ۱۳۷۱.

۱۷- مسعود سعد سلمان. دیوان اشعار / پرویز بابایی (به اهتمام). تهران: نگاه، ۱۳۸٤.

۱۸- نســـفی، عزیزالدین، الانســـان، تصحیح ماژیران موله، تهران: انجمن ایران شناســـی فرانسه در ایران، ۱۳۸۹.

۱۹- هینلز، جان، شناخت اساطیر ایران، ترجمه ژاله آموزگار، احمد تفضلی، نشر چشمه، تهران، ۱۳۷۱

۲۰- . یاحقی، محمد جعفر.فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی، تهران: سروش: ۱۳۷۲